



## Effective International and Domestic Criminal Policies to Ensure Food Security

**Alireza Mirkamali \***

**Amin Alizadeh**

Associate Professor, Faculty of Law, Shahid  
Beheshti University, Tehran.  
Master degree in Criminal Law and Criminology,  
Islamic Azad University, Tehran Science and  
Research Branch

### Abstract

The establishment and sustainability of food security, as the right of human access to sufficient, safe and nutritious food, is directly related to environmental rights. In the field of food security and the right to food, many crimes occur, including food crimes and environmental crimes, which endanger food security and ultimately the health of citizens. In the meantime, developed countries tend to have differentiated and specialized policies in the pre-criminal, criminal and post-criminal fields to prevent these crimes. The aim of this research is to identify the mentioned cases. This research is of a theoretical nature and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and has been carried out by referring to documents, books and articles. We are witnessing some progress in the field of ensuring and protecting the right to nutrition and ensuring food security through criminal policy, but differentiation in this area is not seen in criminal laws. The Iranian legal system should adopt a comprehensive health charter for preventive and responsive criminal policy in this area and propose broader policies so that existing laws can be amended accordingly. This study examines these issues.

**Keywords:** Efficient criminal policy, food security, right to food, international criminal policy, prevention, reactive policies

Received: 18/April/2025

Accepted: 03/September/2025

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

\* Corresponding Author: amirkamali@sbu.ac.ir

## سیاست گذاری‌های جنایی کارآمد بین‌المللی و داخلی در جهت تضمین امنیت غذایی

دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد علوم و تحقیقات تهران

سیدعلیرضا میرکمالی\*

امین علی‌زاده

### چکیده

استقرار، پایداری و امنیت غذایی به عنوان حق دسترسی بشر به غذای کافی، ایمن و مغذی با حقوق محیط زیست ارتباط مستقیمی دارد. در حوزه امنیت غذایی و حق بر غذا، جرایم زیادی اعم از جرایم حوزه مواد غذایی و جرایم حوزه زیست محیطی اتفاق می‌افتد که امنیت غذایی و در نهایت سلامت شهروندان را به خطر می‌اندازد. در این میان، کشورهای توسعه یافته برای جلوگیری از این جرایم، تمایل به سیاست گذاری‌های افتراقی و تخصصی در حوزه پیش‌جنایی، جنایی و پساجنایی دارند که هدف این پژوهش، شناسایی موارد ذکر شده است. این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است، روش جمع‌آوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای است که با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است. در حوزه تضمین و حمایت از حق بر تغذیه و تأمین امنیت غذایی از رهگذر سیاست گذاری جنایی شاهد پیشرفت‌هایی هستیم، اما در این حوزه افتراقی سازی در قوانین کیفری دیده نمی‌شود. نظام حقوقی ایران بهتر است برای سیاست گذاری جنایی پیشگیرانه و واکنشی سنجیده در این حوزه، منشور جامع سلامت را تصویب کرده و سیاست گذاری‌های کلان تری را طرح نماید تا قوانین موجود بر آن اساس اصلاح گردند؛ چنانکه، در این پژوهش به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست گذاری جنایی کارآمد، امنیت غذایی، حق بر تغذیه، سیاست جنایی بین‌المللی، پیشگیری، سیاست‌های واکنشی.

## مقدمه

امنیت غذایی و حق دسترسی به غذا و رهایی از گرسنگی جزء حقوق بنیادین بشری بوده است. در حال حاضر، حق بر غذا در اسناد حقوق بین‌الملل بشر، بر مبنای کرامت انسانی، تعهدات متعددی را به کشورهای عضو جهت تأمین غذا تحمیل می‌نماید که مکانیزم‌های مختلفی جهت رسیدگی به نقض آن و جبران خسارت برای افراد متأثر از آن پیش‌بینی شده است. این رویکرد، در اسناد حقوق بین‌الملل بشردوستانه به اندازه‌ای پیش رفته است که استفاده از ابزار گرسنگی، نابود یا غیر قابل استفاده کردن اموال برای حیات جمعیت غیر نظامی، ممانعت از دریافت کمک‌های بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه به‌ویژه مخاصمات بین‌المللی را به منزله‌ی جنایات جنگی، ژنوساید و جنایات علیه بشریت قلمداد گردیده است.

این موضوع در اجلاس جهانی غذا که در سال ۱۹۹۶ میلادی به همت سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو) تشکیل شده بود نیز در قالب عبارت امنیت غذایی مورد رسیدگی قرار گرفت. بر این اساس، امنیت غذایی این‌گونه تعریف شده است: «امنیت غذایی آنگاه وجود دارد که همه‌ی مردم، همواره به غذای کافی، سالم و مغذی دسترسی فیزیکی و اقتصادی داشته باشند و غذای در دسترس، نیازهای یک رژیم تغذیه‌ای سازگار با ترجیحات آنان را برای یک زندگی فعال و سالم فراهم سازد.» در اعلامیه‌ای که با عنوان امنیت غذای جهانی در پایان اجلاس مزبور تدوین شد، سران دولت‌ها به حق همه‌ی انبای بشر بر دسترسی به منابع ایمن و مناسب مواد غذایی و تحقق حق بر غذای کافی و رهایی همه از معضل گرسنگی، تأکید کردند. با توجه به موارد مطرح شده، می‌توان مدعی بود که حق بر غذا بخشی از یک مجموعه‌ی پیچیده‌تر از تعهدات دولت‌ها، یعنی لزوم تأمین امنیت غذایی، است. به همین دلیل، فائو اصول راهبردی خود را به‌منظور حمایت از حق بر غذا در چارچوب مفهوم امنیت غذایی تصویب نمود. (Beuchett, ۲۰۱۲: ۶۸۴)

دولت‌ها علاوه بر تعهدی که نسبت به افراد حاضر در سرزمین تحت صلاحیت خود دارند، در مقابل حق بر غذای مردم دیگر کشورها نیز متعهد هستند؛ به این معنا که آن‌ها باید تضمین کنند که سیاست‌های اجرایی‌شان نه تنها موجب نقض حق بر غذای مردمان سرزمین دیگر نمی‌شود. به عبارتی، دولت‌ها مکلف هستند شرکت‌های تجاری و بازرگانی خود را به نحوی کنترل کنند که حق بر غذای ملت‌های دیگر را نقض ننمایند، بلکه تا جایی که ممکن است در تحقق و اجرای کامل حق بر غذای آن‌ها مشارکت نموده و به دولت‌های دیگر در جهت تحقق این حق یاری رسانند. در مجموع، حق بر غذا دارای ۲ حق متمایز می‌باشد: الف) حق دسترسی همه‌ی مردم به غذای سالم مطابق با استاندارد از طریق خودکفایی در تولیدات داخلی که تعهدات این حق جزء تعهدات به وسیله است و مستلزم سرمایه‌گذاری در بلندمدت می‌باشد، ب) حق بنیادین رهایی از گرسنگی. (Narula, ۲۰۰۶: ۳۶)

از آنجایی که حق رهایی از گرسنگی به معنی حق دسترسی به حداقل غذای اساسی جهت اطمینان هرکس برای رهایی از گرسنگی و مرگ می‌باشد و جزء حقوق بنیادین بشری بوده و تحت هر شرایطی حتی در بلایای طبیعی غیر قابل عدول است، لذا تعهدات دولت‌ها در این زمینه جزء تعهدات به نتیجه می‌باشد و دولت‌ها تعهد فوری جهت اطمینان از حق بنیادین رهایی از گرسنگی داشته و باید حداقل غذای مردم نیازمند را فراهم کنند. در حوزه‌ی تضمین و حمایت از حق بر تغذیه و تأمین امنیت غذایی از رهگذر سیاست‌گذاری جنایی شاهد پیشرفت‌هایی هستیم، اما در این حوزه افتراقی‌سازی در قوانین کیفری دیده نمی‌شود. نظام حقوقی ایران بهتر است برای سیاست‌گذاری جنایی پیشگیرانه و واکنشی سنجیده در این حوزه، منشور جامع سلامت را تصویب کرده و سیاست‌گذاری‌های کلان‌تری را طرح نماید تا قوانین موجود بر آن اساس اصلاح گردند که در این پژوهش به بررسی این موارد پرداخته می‌شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی پژوهش

در گفتار نخست به بررسی و معرفی واژگان مهم پژوهش پرداخته شده است.

### ۱.۱. امنیت غذایی

مواد خوراکی و آشامیدنی از آنجا که جزء مهم‌ترین کالاهای اساسی جامعه بشری بوده و برای بقای انسان‌ها و تداوم حیات آن‌ها ضروری هستند، مورد توجه سازمان‌ها و نهادهای بسیاری، از جمله سازمان بهداشت جهانی WHO و سازمان خواروبار و کشاورزی FAO، قرار دارند که برای سلامت و امنیت غذایی تعاریفی را نیز ارائه کرده‌اند. این سازمان، سلامتی انسان‌ها را امری اساسی برای دستیابی به صلح و امنیت دانسته و سلامت را یکی از اساسی‌ترین حقوق انسان بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب، اعتقادات سیاسی، شرایط اقتصادی یا موقعیت اجتماعی او می‌داند.

بنا بر گفته‌ی پژوهشگران، حفظ بهداشت و سلامت مواد خوراکی از دو جهت حائز اهمیت است: نخست، از نظر تأمین حقوق شهروندی؛ زیرا حق بهره‌مندی از غذای سالم یکی از حقوق مسلم شهروندی به شمار می‌آید و حاکمیت وظیفه دارد تا بهره‌مندی از این حق را برای همه‌ی شهروندان فراهم کند و دوم، این که بهداشت غذایی، ضامن سلامت و پویایی جامعه است که به نوبه‌ی خود پیشرفت هر جامعه‌ای را فراهم می‌کند. بنابراین، پیشرفت یک جامعه، در گرو سلامت آن و سلامت جامعه نیز در گرو بهداشت غذایی است.

امنیت غذایی به وضعیتی اطلاق شده است که در آن آحاد جامعه‌ی بشری برای داشتن زندگی پویا و سالم، همیشه به مقدار غذای کافی، سالم و مغذی، تأمین‌کننده‌ی نیازها و اولویت‌های تغذیه‌ای، دسترسی فیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشند. این هنجار بین‌المللی و ملی، از حقوق بنیادین بشری نسل‌های اول تا سوم از جمله حق بر امنیت، حق بر غذا، حق بر غذای کافی، حق بنیادین رهایی از گرسنگی، حق رفاه و تأمین اجتماعی، حق زندگی با استانداردهای مناسب و حق بر توسعه‌ی نشأت گرفته است. امنیت غذایی در جامعه‌ی بین‌المللی، ابتدا به‌عنوان یکی از اهداف فرعی توسعه‌ی هزاره و در حال حاضر با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد (سپتامبر سال ۲۰۱۵ میلادی) به‌عنوان یکی از اهداف اصلی و مستقل توسعه‌ی پایدار پذیرفته شده است. هنجاری که در هنگام شکل‌گیری، بیشتر ماهیت اجتماعی-اقتصادی داشته و به تدریج به ارزشی اجتماعی، اقتصادی، فنی و حقوقی بدل شده است. چالش‌های متعدد جهانی، منطقه‌ای و ملی در حوزه‌ی فقر، سوء تغذیه و گرسنگی موجب شده است که امنیت غذایی به اولویت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های کلان ملی و بین‌المللی بدل شود. از سوی دیگر، بخشی از رفتارهای فاصله‌گیر از هنجار امنیت غذایی به‌عنوان پدیده‌ی جنایی، همگام و همزاد با ارزش امنیت غذایی، زاده شده و رشد کرده و به تدریج اشکال پیچیده‌تری یافته است. (قربانی، ۱۳۹۶: ۱۲۵)

### ۱.۲. سیاست جنایی و اقسام آن

اصطلاح سیاست جنایی به‌عنوان یک رشته‌ی مطالعاتی علمی، اولین بار توسط دانشمند آلمانی، آنسلم فون فوئر باخ، در کتاب حقوق کیفری او که در سال ۱۸۰۳ میلادی چاپ و منتشر گردید، استفاده شده است. وی در خصوص ارائه‌ی تعریفی از سیاست جنایی معتقد است که سیاست جنایی مجموعه‌ی شیوه‌های سرکوب‌گرانه‌ای است که دولت با توسل به آن‌ها علیه جرم و اکثش نشان می‌دهد. تعریف فوئر باخ نشانگر مفهوم مضیقی از سیاست جنایی بوده و در حقیقت بیانگر همان سیاست کیفری است. در نظر وی، سیاست جنایی مبتنی بر شیوه‌های قهرآمیز و تنبیهی و رسمی بوده و تنها علیه جرم به کار بسته می‌شود. (لازرز، ۱۴۰۰: ۲۶)

با ظهور مکاتب فلسفی و کیفری پس از جنگ جهانی دوم و حضور دانشمندان زیادی در خلال این مکاتب، مفهوم سیاست جنایی دچار تحول گشته و از مفهوم مضیق به سمت مفهوم موسع حرکت نموده است. مارک آنسل، یکی از این اندیشمندانی است که به عقیده‌ی وی سیاست جنایی علاوه بر جرم به عنوان یک مفهوم قانونی و سرکوبی و مجازات بزهکاری با ابزارها و نظام کیفری، به انحراف و کژروی به عنوان یک مفهوم اجتماعی نیز می‌پردازد و توجه زیادی به پیشگیری از جرم دارد. تکیه‌ی سیاست جنایی نوین آنسل در مفهوم موسع به استفاده از تمامی روش‌ها و ابزارها خصوصاً روش‌های مبتنی بر جبران خسارت و میانجی‌گری به جای استفاده صرف از روش‌های سرکوب‌گر و استفاده از مشارکت اجتماعی در مبارزه و پیشگیری از بزهکاری می‌باشد. در ادامه، فرایند تحول مفهوم سیاست جنایی می‌ری دلماس مارتی، با در نظر گرفتن تحولات کمی و کیفی که در دهه‌های اخیر در انواع جرایم و نحوه‌ی مقابله با آن‌ها پدید آمده است، تعریف موسعی از سیاست جنایی ارائه نمود. در نظر ایشان، «سیاست جنایی شامل مجموعه روش‌هایی است که هیأت اجتماع با توسل به آن‌ها پاسخ‌های پدیده‌ی مجرمانه را سازمان می‌بخشد. بدین ترتیب، سیاست جنایی مترادف با جنبه‌های نظری و عملی اشکال مختلف کنترل اجتماعی متجلی می‌شود. (مارتی، ۱۳۹۸: ۱۲۸)

### ۱.۲.۱. مدل‌های سیاست جنایی

مدل یا الگو در مبحث سیاست جنایی در معنایی به جز معنای حقوقی آن به کار می‌رود. مدل در سیاست جنایی یعنی تکنیک (فن یا شیوه) ارائه و بازنمایی یک موضوع و یا یک فرایند؛ مدل به خودی خود تخمین و برآورد آن چیزی است که مشاهده می‌شود. بدین سان، ضرورتاً، شکاف و فاصله‌ای مدل را از واقعیت جدا می‌کند؛ زیرا اگر مدل دقیقاً مانند واقعیت باشد وصف مدل بودن خود را از دست می‌دهد.

ویژگی‌های مدل را می‌توان این گونه برشمرد: نخست، فایده‌ی بازنمایی اجمالی کلی دارد؛ بنابراین، اجازه می‌دهد تا موضوع مورد بحث، جمع‌بندی شود و از کوچک کردن‌های بسیار یک موضوع حاشیه‌ای اجتناب شود. دوم، مدل، بذر قابلیت رد خود را در خود دارد و بدین سان به شناخت و علم، اجازه‌ی پیشرفت می‌دهد. سوم، مدل انتزاعی است؛ یعنی، تنوع ملموس زندگی را مورد سؤال و مطالعه قرار می‌دهد و تلاش می‌کند تا آن را از جریان غیرارادی روزانه‌اش جدا کند. (حاجی‌وند، ۱۴۰۳: ۲۳)

مدل‌ها در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته‌ی کامل و انقباضی تقسیم می‌شوند؛ معیار اساسی این تقسیم‌بندی، ادغام یا تفکیک جرم از انحراف است. مدل‌های کامل عبارتند از: مدل دولت اقتدارگرا، مدل جامعه‌ی خودگردان، مدل دولت-جامعه لیبرال و مدل دولت-جامعه پزشکی-اجتماعی.

### بند اول: مدل‌های دولتی

#### الف) مدل دولت-جامعه لیبرال

این مدل از ایدئولوژی لیبرال الهام می‌گیرد و در کشورهایی که خود را تابع ایدئولوژی لیبرال می‌دانند به عنوان مدل مرجع مورد پذیرش قرار گرفته است. آشکارترین بخش سیاست جنایی مدل دولت-جامعه لیبرال را می‌توان در پاسخ دولت به بزه مشاهده نمود. بدین جهت، شاخص این مدل درجه‌ی بالای پیچیدگی شبکه‌ی کیفری در آن است؛ زیرا محدود شدن قلمرو مداخله‌ی دولت از طریق توسعه‌ی روش‌های ماهوی و شکلی هدف مدل لیبرال است. سایر ضمانت اجراها، مانند ضمانت اجراهای مدنی، اداری و میانجی‌گری، نیز در این مدل قابل شناسایی است. (پیشین)

دولت در این مدل با واگذاری بخشی از پاسخ‌های پیشگیرانه و سرکوب‌گرانه به جامعه‌ی مدنی، در زمینه‌ی جرم از طریق بروز و اعمال واکنش‌های مختلف مداخله می‌کند. لیکن، هم‌زمان پاسخ و واکنش جامعه در قبال انحراف را نیز می‌پذیرد. (جمشیدی، ۱۳۹۱)

ب) مدل دولت اقتدارگرا

این مدل در ساختار خود از مدل لیبرال جدا می‌گردد. در این مدل، جرم از انحراف تفکیک شده است و بدین ترتیب قلمرو تحت نظارت دولت یا محدوده‌ی فضای کنترل شده توسط دولت نیز تعیین گردیده است.

پاسخ دولتی به بزه در این مدل ممکن است به دو شکل باشد: نخست، نظام کیفری اختصاصی که شامل دادگاه‌ها و مراجع فوق‌العاده و اختصاصی که از تضمین‌های قانونی و قضایی خاصی برخوردار هستند و واکنش در برابر پاره‌ای از جرایم را با قواعد ماهوی و شکلی شدیدتر سازمان‌دهی می‌نمایند و دیگر، نظام کیفری عادی یا عمومی. در زمینه‌ی پاسخ به انحراف نیز پاسخ عمدتاً از نوع دولتی است و در شکل اقدامات دولتی، پلیسی، قضایی تجلی می‌یابد. تعریف مبهم انحراف معمولاً موجب مداخله‌هایی از نوع اقتدارگرا و قهرآمیز شده است که از جمله‌ی آن‌ها اعطای آزادی عمل زیاد به پلیس و نگهداری اداری یا قضایی فرد منحرف می‌باشد. (دل‌ماس مارتی، همان)

ج) مدل دولت اقتدارگرای فراگیر

هدف این مدل، صرف نظر از ایدئولوژی حاکم بر آن، این است که بدون تفکیک بزه از انحراف، کلیه‌ی رفتارهای حاکی از عدم قبول هنجارها را تعقیب و سرکوب نماید و کلیه‌ی افراد جامعه را در یک پیکره‌ی کاملاً واحد ادغام نموده و آن‌ها را مجبور به تفکر یکسان نماید. در این مدل می‌توان دو متغیر را از یکدیگر تفکیک نمود: شبکه‌های سرکوبی و یا مشارکت سرکوب‌گر جامعه‌ی مدنی.

## بند دوم: مدل‌های جامعوی سیاست جنایی

مدل‌های جامعوی که هرگونه پاسخ دولت را کنار می‌گذارند، برخلاف مدل‌های دولتی که وجه اشتراک آن‌ها، وجود یک پاسخ دولتی به تمام یا بخشی از پدیده‌ی مجرمانه است دارای تنوع بیشتری هستند. در برخی از مدل‌ها به دلیل عدم ایفای وظیفه از جانب دولت در حل و فصل اختلافات و پاسخ به پدیده‌های مجرمانه و انحراف‌ها یا ایفای وظیفه برخلاف انتظارات اجتماع، به عنوان جایگزین دولت متجلی می‌شوند و در برخی دیگر از مدل‌ها، واسطه‌ی بین پدیده‌ی مجرمانه و دولت می‌شوند تا تمام یا بخشی از واکنش‌ها در مقابل رفتارهای ناشی از رد هنجارها را مدیریت نمایند. این مدل‌ها عبارتند از:

الف) مدل جامعه‌ی خودگردان

مدل جامعه‌ی خودگردان با وجود پاسخ اجتماعی به جرم مشخص می‌گردد؛ زیرا پاسخ اجتماعی به انحراف با مدل دولت-جامعه لیبرال جلوه‌گر شد. این مدل، با توجه به رابطه‌ی جرم-پاسخ اجتماعی می‌تواند با وجود چند متغیر جایگزین جلوه‌گر شود. در واقع، شبکه‌های خودتنظیمی که پاسخ اجتماعی به جرم را مشخص می‌کنند به دو شکل خود را سازمان‌دهی می‌نمایند: در مورد اول، شبکه‌ها به بخشی متشکل از هیأت اجتماع مربوط می‌شوند که مقرراتی خاص و مرتبط با نوع فعالیت خود دارند و هدف آن‌ها این است که خود به صورت کم و بیش، مستقل از دولت، آن‌ها را اعمال نمایند که شبکه‌های خودانضباطی خوانده می‌شوند. در مورد دیگر، زمانی که بزه‌دیده به صورت منفرد یا جمعی که از بقیه گروه‌های اجتماعی جدا و مجزا است، ناتوانی دولت را در تضمین و تأمین امنیت اشخاص و اموال به نحو رضایت‌بخش بهانه قرار می‌دهد و شبکه‌های خاص خود را سازمان می‌بخشد، با شبکه‌های دفاع شخصی از خود مواجه خواهیم بود.

### ب) مدل جامعه‌ی آناشیش

در این مدل، بر خلاف مدل‌های دولتی که دولت در رأس آن قرار دارد، اساساً مظهر دولت به خودی خود حذف و محو می‌گردد و جامعه‌ی مدنی مدعی جانشینی دولت ناتوان بوده و به تنهایی برخورد با پدیده‌ی مجرمانه، اعم از جرم و انحراف، را به عهده می‌گیرد. در این مدل، پاسخ به بزه و انحراف واحد است و در واقع، در چنین جوامعی نظارت افراد نسبت به یکدیگر، پاسخ و واکنش دائم در برابر جرم و انحراف محسوب می‌شود. این شیوه‌ی مراقبت و نظارت ممکن است شکل انتقام‌جویانه و یا شکل اجتماعی و جمعی به خود بگیرد. (جمشیدی، همان)

### ۱.۲.۳. اقسام سیاست جنایی

#### بند نخست- سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی، طرز برداشت و تلقی مقام قانون‌گذاری در قالب وضع و تصویب قوانین مختلف از سیاست جنایی است.

#### بند دوم- سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضایی، به معنای مضیق آن، یعنی سیاست جنایی که در تصمیمات و عملکردهای دادگاه‌های دادگستری منعکس و مندرج است. این سیاست جنایی می‌تواند متأثر از رویه‌ی قضایی، بخشنامه‌ها، دستورالعمل‌ها، آرای دیوان عالی کشور و موارد مشابه باشد. (رضوی فرد)

#### بند سوم- سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی یا سیاست جنایی توأم با شرکت وسیع جامعه، یعنی در نظر گرفتن آثار ضرورت حیاتی و ایجاد عوامل تقویتی دیگری به غیر از پلیس یا قوه‌ی قضائیه به منظور اعتبار بخشیدن بیشتر به طرح سیاست جنایی است که به وسیله‌ی قوه‌ی مجریه و مقننه تهیه و تدوین می‌گردد. مشارکت عامه‌ی مردم در سیاست جنایی به کارآیی آن می‌افزاید. شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی افزون بر رفع دل‌نگرانی مشروع در جهت بالا بردن کارآیی آن، به معنای این است که امروزه پیشگیری و سرکوب بزه‌کاری از جمله‌ی اموری هستند که به همه‌ی افراد جامعه مربوط می‌شوند. هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه‌ی پیشگیری و پاسخ‌دهی- مجازات و بازپیرسازی اجتماعی بزه‌کاران است.

### ۲. سیاست جنایی کارآمد در جهت تأمین امنیت غذایی

در این حوزه، ابتدا تضمین‌های سیاست جنایی بین‌المللی مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفته و سپس به معرفی سیاست جنایی ایران پرداخته شده است؛ چراکه سیاست جنایی بین‌المللی راه‌گشا و الگوی سیاست جنایی داخلی است. تعریف دقیق سیاست جنایی بین‌المللی به جهت تشتت نظرات امری دشوار می‌نماید، اما می‌توان گفت: سیاست جنایی بین‌المللی عبارت است از ریشه‌یابی و جستجوی علت‌شناسانه در خصوص جرائم و جنایات بین‌المللی و ناامنی‌های منطقه‌ای و پیش‌بینی و به‌کارگیری ابراز و وسایل راهبردی در جهت پیشگیری، مبارزه و مدیریت بحران‌های بین‌المللی. با توجه به این گزاره که حقوق کیفری از قانون جزا فراتر می‌رود، جستجوی سیاست جنایی در مجموعه مقررات و متون حقوق بین‌الملل غیرمعمول نیست. (حاجی‌وند، ۱۴۰۳: ۱۵۴)

با بررسی مقررات و متون بین‌المللی با یک راهبرد پیشگیرانه مواجه هستیم و راهبردهای کیفری بسیار کم دیده شده است؛ در این راستا، به بررسی مهم‌ترین موارد آن پرداخته می‌شود. «امنیت غذایی زمانی وجود دارد که همه‌ی افراد، در هر زمان و به لحاظ فیزیکی و اقتصادی به غذای کافی، ایمن و مغذی که نیازهای غذایی و ترجیحات غذایی

آن‌ها را برای یک زندگی فعال و سالم برآورده می‌کند، دسترسی داشته باشند.» این مفهوم، بخشی از دکترین امنیت انسانی است که در گزارش برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل در سال ۱۹۹۳ مطرح گردیده است. همان‌طور که از مفهوم امنیت غذایی در سند اعلامیه‌ی رم ۱۹۹۶ برمی‌آید، لزوم تأمین امنیت غذایی تعهد بنیادین کشورها در حوزه‌ی حق بر غذا است. با این حال، مهندسی ژنتیک مسائل جدی را در مورد امنیت غذایی مطرح می‌کند، زیرا حاکمیت غذا در کشورهای خاصی تهدید می‌شود. حاکمیت مواد غذایی حق کشورها است که بتوانند تولید و مصرف مواد غذایی خود را تعیین کنند و ذخایر مواد غذایی سالم و مغذی را برای اطمینان از امنیت غذایی ایجاد کنند؛ چراکه بذر، نماد نهایی امنیت غذایی است. از این رو، بذرهای تراریخته نباید جایگزین بذرهای ارگانیک شوند، بلکه محصولات ناشی از آن باید به‌عنوان مکمل در کوتاه‌مدت مورد مصرف قرار گیرند؛ چراکه استفاده‌ی آن در بلندمدت دارای خطراتی برای سلامتی انسان‌ها است.

«ارزیابی علمی و بررسی اثرات منفی بهداشتی شناخته شده یا بالقوه، ناشی از مواجهه‌ی انسان با خطرات ناشی از غذا است. این فرایند، شامل مراحل زیر است: الف) شناسایی خطر، ب) توصیف خطر (hazard)، ج) در معرض ارزیابی قرار گرفتن و د) توصیف ریسک (risk). این تعریف، شامل ارزیابی کیفی و کمی خطر است.»

بنابراین، ارزیابی خطر یک فرایند علمی و کارشناسانه است که سازمان بهداشت جهانی و سازمان خواربار و کشاورزی، انجام آن را در محصولات تراریخته به کشورها توصیه می‌کنند. همچنین، سازمان بهداشت جهانی در استراتژی جهانی خود راجع به ایمنی غذا به فعالیت‌های این سازمان در جهت نهادینه‌سازی سیستم ارزیابی خطر اشاره می‌کند و مطابق قطعنامه‌ی WHA ۵۳،۱۵ اهمیت استانداردها، دستورالعمل‌ها و سایر توصیه‌های کمیسیون کدکس را در حفظ سلامت مصرف‌کنندگان و اطمینان از شیوه‌های عادلانه در تجارت مواد غذایی به رسمیت می‌شناسد. سازمان، با ارائه‌ی ارزیابی‌های علمی مبتنی بر ریسک، خطرات کوتاه‌مدت و بلندمدت برای سلامتی مرتبط با مواد غذایی، نقش عمده‌ای را در فعالیت‌های علمی و بهداشت عمومی کمیسیون ایفا می‌کند. سازمان بهداشت جهانی روش‌های ارزیابی ریسک مواد شیمیایی و خطرات میکروبیولوژیکی موجود در مواد غذایی را به منظور فراهم آوردن پایگاه‌های دقیق در سطح جهان برای تنظیم استاندارد توسط کدکس، بهبود می‌بخشد (۱۰) با این وجود، ابهامی که وجود دارد این است که آیا تعهد به "ارزیابی خطر" از سوی دولت‌ها الزام‌آور است یا این که هنوز جزء مصادیق حقوق قوانین یافته به شمار می‌رود. این موضوع را می‌توان در قالب قواعد حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کشورها مورد بررسی قرار داد. اگرچه در ساختارهای نظارتی قانون‌گذاری، اولویت‌های زیست‌محیطی، از جمله حفظ تنوع زیستی بومی، و اصطلاحات خطر، از جمله اختلاف در مورد خطر زیست‌محیطی، بین کشورها تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد، اما اکثر ارزیابی‌های خطر در انتشار محصولات تراریخته از نوعی فرایند ارزیابی دانش بنیان استفاده می‌کنند که سطح ریسک را تخمین می‌زند. از طریق مقایسه با همتای غیرتراریخته، علاوه بر این بیشتر شامل در نظر گرفتن طیف وسیعی از موضوعات مربوط به ارزیابی کلی خطر است. برای گیاهان تراریخته بسته به ویژگی معرفی شده، این موارد ممکن است شامل سمی بودن، حساسیت، مشخصات غذایی، خصوصیات زراعی، افزایش بیماری، گسترش و پایداری GMO، جریان ژن و ... باشد (۱۱). بسیاری از کشورها مانند ایالات متحده براساس این فرض که محصولات اصلاح شده ژنتیکی به خودی خود خطرناک نبوده یا خطری برای سلامتی و محیط زیست ایجاد نمی‌کنند، قواعد الزام‌آوری در جهت ارزیابی خطر تنظیم نمی‌کنند و با توجه به سیاست اداره‌ی غذا و داروی آمریکا، ارزیابی فقط در موارد خاص انجام می‌پذیرد. اما با شروع سوءظن اولیه در مورد خطر مصرف محصولات تراریخته‌ی سایر کشورها و به‌ویژه اتحادیه‌ی اروپا رژیم نظارتی خاصی را ایجاد کرده‌اند. بسیاری از قانون‌گذاران "ارزیابی خطر" را به آژانس‌های مستقل با یا بدون اختیارات نظارتی واگذار می‌کنند. مقررات اتحادیه‌ی اروپا در مورد محصولات تراریخته، ارزیابی «مرجع

ایمنی غذایی اتحادیه اروپا» را به‌عنوان شرط لازم در مورد کیفیت محصولات GMO می‌داند و مجوز برای آزادی یا بازاریابی این محصولات را متکی بر "ایمن" شناختن مرجع مذکور کرده است. (۱۲) دستورالعمل EC/۱۸/۲۰۰۱ فرایند تأیید مرحله به مرحله را برای ارزیابی خطر نسبت به سلامتی انسان و محیط زیست قبل از انتشار هرگونه محصول اصلاح شده‌ی ژنتیکی در محیط یا به بازار، عرضه می‌کند. این دستورالعمل به منظور ردیابی و شناسایی هرگونه اثر مستقیم یا غیرمستقیم، فوری، به تأخیر افتاده یا پیش‌بینی نشده بر سلامت انسان یا محیط GMOها به‌عنوان محصول یا پس از عرضه در بازار، به صورت الزامی پیشنهاد یک برنامه‌ی نظارت (سیستم ارزیابی خطر) را ارائه می‌دهد. مطابق مقررات EC/۱۸۲۹/۲۰۰۳، مواد غذایی تراریخته پس از ارزیابی علمی از هرگونه خطری که برای سلامتی انسان، حیوان و مواردی که برای محیط زیست ایجاد می‌کند، باید مجاز به فروش در بازار باشند. این مقررات مقرر می‌دارد که مواد غذایی و تراریخته نباید: الف) دارای تأثیرات منفی بر سلامت انسان، سلامت حیوانات یا محیط زیست باشد، ب) مصرف‌کننده را گمراه کند، ج) با غذای مورد نظر برای جایگزینی تا حدودی متفاوت باشد که مصرف طبیعی آن برای مصرف‌کننده یا حیوانات مضر باشد. همچنین، مطابق قانون مواد غذایی و دارویی کانادا، تولیدکنندگان و واردکنندگان می‌توانند اطلاعات مربوط به محصول مورد نظر را به وزارت بهداشت کانادا ارسال کنند تا با توجه به مقبولیت آن به‌عنوان مواد غذایی قبل از فروش، ایمنی آن را تأیید کند. وزارت بهداشت برای تقویت رویکرد مبتنی بر خطر در تخصیص منابع نظارتی برای ارزیابی محصولات، پیش از بازاریابی به دنبال فعالیت‌هایی در جهت تقویت روند ارزیابی برای محصولات کم‌خطر است. این فعالیت شامل بهبود کارآیی فرایند ارزیابی قبل از ورود به بازار و ایجاد یک رویکرد دقیق برای ارزیابی ریسک غذایی است. مقامات نظارتی کانادا همچنان به دنبال فرصت‌هایی برای هماهنگ‌سازی رویکرد نظارتی برای غذاهای جدید با بهترین روش‌های بین‌المللی و هماهنگی با سایر کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی هستند. کشور استرالیا نیز ضمن پذیرش سیستم ارزیابی در قانون فناوری ژن (۲۰۰۰)، انجام اقدامات کنترلی که برای جلوگیری از انتشار و ماندگاری GMOها و ژن‌های معرفی شده‌ی آن‌ها طراحی شده‌اند، پیش‌بینی کرده است. (۱۲) با توجه به قوانین داخلی کشورها، به نظر قطب‌بندی، قانون‌گذاری از یک استاندارد واحد تبعیت نمی‌کند و به‌طور کلی مبتنی بر دو رویکرد "سیستم اجباری ارزیابی خطر" و "سیستم اختیاری ارزیابی خطر" است.

در برخی از اسناد بین‌المللی نیز می‌توان به تعهدات دولت‌ها به انجام ارزیابی خطر ارگانیسم‌های اصلاح شده‌ی ژنتیکی اشاره کرد که حاوی الزاماتی در راستای حفظ امنیت غذایی و ایمنی محصولات تراریخته هستند. به موجب کنوانسیون زیستی هر یک از کشورهای عضو تا حد امکان و مقتضی، باید ابزار لازم برای تنظیم، مدیریت یا کنترل خطرات ناشی از استفاده یا رهاسازی ارگانیسم‌های زنده‌ی اصلاح شده‌ی حاصل از فناوری زیستی را با توجه به عوارض تهدید کننده برای سلامت انسان، ایجاد کرده یا به استفاده از آن تدوام بخشد. همچنین، کشورهای عضو ملزم به ارائه‌ی اطلاعات درباره آثار مضر بالقوه‌ی آن به کشور وارد کننده است. به علاوه، مطابق پروتکل کارتاگنا تقبل ارزیابی خطر بر اساس روش صحیح علمی و با در نظر گرفتن روش‌های شناخته شده‌ی ارزیابی خطر انجام خواهد شد. چنین ارزیابی‌هایی باید به منظور شناسایی و بررسی آثار زیان‌آور احتمالی سازواره‌های تراریخته بر سلامت انسان، قابل دسترسی باشد. اما، مهمترین و بحث‌برانگیزترین مقرره‌ی پروتکل حاضر مفاد ماده‌ی ۲۶ است که توجه به مسائل اقتصادی و اجتماعی در جریان پذیرش سازواره‌های تراریخته را در اختیار دولت‌ها گذاشته است؛ یعنی، در نظر گرفتن ملاحظات مزبور به صلاح‌دید کشورها واگذار شده است و این امکان وجود دارد که دولت‌ها تعهدات تجاری بین‌المللی خود را بر ملاحظات مذکور ترجیح دهند. به عبارتی، با توجه به عدم اشاره‌ی این سند به سازوکار مناسب و انعطاف‌پذیری زیاد مقرر: اولاً، موجب می‌شود که با توجه به نحوه‌ی نگارش این ماده نتوان هیچ تعهد الزام‌آوری برای

دولت‌ها استنباط نمود و ثانیاً، موجب ارائه‌ی تفاسیر مختلف و نتیجتاً عدم اجرای درست آن می‌شود. در کنار اسناد تنوع زیستی، موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی نیز دربردارنده‌ی مقرراتی در زمینه‌ی حفظ ایمنی محصولات تراریخته است. شاید در نگاه اول به نظر برسد که موضوعات موافقت‌نامه‌های اخیر وابسته به حمایت از منافع تجاری و صنعتی باشد، اما چهار موضوع مربوط به پروتکل ایمنی زیستی می‌توانند با توافق‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی هم‌پوشانی داشته باشند: (۱) زمینه‌ی اقدام قانونی دولت مبتنی بر شواهد علمی قطعی، (۲) ارزیابی ریسک و مدیریت آن، (۳) عوامل اقتصادی اجتماعی که ممکن است در فرایند تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گیرد و (۴) تعهدات مربوط به اسناد. در چارچوب سازمان تجارت جهانی، امنیت زیستی GMO عمدتاً تحت موافقت‌نامه‌ی اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی است. موافقت‌نامه‌ی اخیر صریحاً به GMO یا LMO نمی‌پردازد، اما به این دلیل از اهمیت برخوردار است که با قوانینی و مقررات مربوط به ایمنی مواد غذایی و خوراک و سلامت حیوانات و گیاهان سروکار دارد. توافق‌نامه SPS به کشورهای عضو WTO اجازه می‌دهد تا اقدامات محدودی را برای محافظت از خود در برابر خطرات ایمنی مواد غذایی، خطرات بهداشت حیوانات و خطرات گونه‌های مهاجمی از GMO انجام دهند. این توافق‌نامه، مستلزم این است که چنین تدابیری با اتخاذ رویکرد ارزیابی ریسک علمی مبتنی بر استانداردهای پذیرفته شده‌ی بین‌المللی باشد و بین محصولات تبعیض قائل نشوند تا هرگونه اقدامات انجام شده به محدودیت‌های تجاری مبدل نشود. هنگامی که GMOها در سطح بین‌المللی مورد معامله قرار می‌گیرند و به‌عنوان تهدیدی برای زندگی، سلامتی انسان یا حیوان یا گیاهان در یک کشور واردکننده محسوب می‌شوند، می‌توان اقدامات مدیریت ریسک را قبل از واردات آن‌ها انجام داد. کشور عضو، همچنین می‌تواند در هنگام انجام اقدامات بهداشتی یا بهداشت گیاهی فاکتورهای اقتصادی مرتبط را در نظر بگیرد. مطابق این توافق‌نامه، در مواردی که اطلاعات علمی کافی نیست، کشورها می‌توانند اقدامات احتیاطی موقت را انجام دهند. در چنین مواردی، کشورها موظف هستند به‌طور فعال به دنبال تحصیل اطلاعات لازم و ضروری برای ارزیابی جامع‌تر خطر در یک بازه‌ی زمانی معقول باشند (بند ۷ ماده‌ی ۵). (۱۳) همچنین، در قضایه‌ی EC-Biotech که خواهان دعوی خود را بر اساس موافقت‌نامه‌ی اخیر مطرح نموده بود، کمیته‌ی داوری بیان داشت که: «در تفسیر بند ۷ ماده‌ی ۵ باید به این موضوع توجه داشت که مفاد این ماده‌ی استثنایی بر بند اول این ماده نیست، بلکه حقی است که به اعضا داده شده تا به منظور حفظ سلامت افراد در برابر عوامل خطرناک اقدامات لازم را انجام دهند.» (۱۳) بنابراین، این مجموعه اقدامات بر محصولات غذایی تراریخته از سوی کشورهای عضو قابل اعمال است و دولت‌های سازمان تجارت جهانی باید کنترل، بازرسی و تأیید محصولات تراریخته را طبق موارد مطرح شده انجام داده و این کنترل بدون اعمال هر نوع تبعیض و تأخیر ناروا صورت پذیرد. از سوی دیگر، تمام تولیدات، از جمله تولیدات صنعتی و محصولات کشاورزی، باید تحت شمول موافقت‌نامه‌ی موانع فنی تجارت (TBT) قرار بگیرند. دولت‌ها براساس این سند تجاری نباید از اتخاذ تدابیر لازم به منظور تضمین کیفیت صادرات یا حفظ حیات یا سلامت انسان در سطحی که مقتضی تشخیص می‌دهند، منع شوند. در عین حال، فهرست اهداف مشروع برای اقدام دولت‌ها از جمله شامل حفظ سلامتی یا ایمنی انسان نیز می‌شود و دولت‌های عضو می‌توانند با اتخاذ رویکرد احتیاطی، قبل از واردات محصولات غذایی و عرضه‌ی آن‌ها در بازار مصرف، فرایند ارزیابی خطر را انجام و بعد از حصول اطمینان از ایمنی محصولات برای سلامت فردی اعضای جامعه، مجوز ورود را صادر نمایند. این روند منطبق با تعهدات دول عضو سازمان در قبال تأمین حق بر غذا و امنیت غذایی است، البته مشروط بر آن که این اقدامات مبتنی بر مدارک علمی دقیق و بی‌طرفانه بوده و مانع غیرموجهی برای تجارت بین‌الملل ایجاد نکند.

با بررسی متون و مقررات حقوق داخلی در خصوص امنیت غذایی، می‌توان سهم شبکه‌ی کیفری را دید و سهم سایر شبکه‌های اداری و انضباطی کم مشاهده می‌گردد. در خصوص پاسخ‌ها نیز عمده‌ی این پاسخ‌ها، دولتی است و سهم شبکه‌های مردمی بسیار کم دیده می‌شود.

مهم‌ترین قوانین و مقررات ناظر بر تأمین امنیت غذایی عبارتند از: قانون اساسی، اسناد بالادستی، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تعزیرات ۱۳۷۵ و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون مواد خوردنی، آشامیدنی و قانون ایمنی زیستی و مواد تراریخته و ... گاهی از بین بردن امنیت غذایی می‌تواند مصداق افساد فی الارض نیز تلقی شود.

### نتیجه‌گیری

سیاست جنایی که چاره‌اندیشی برای معضل جرم را به‌عنوان هدف و چارچوب اصلی خود برگزیده است به مجموعه اصولی گفته می‌شود که هیأت اجتماع بر مبنای آن پاسخ‌دهی به پدیده‌ی مجرمانه را سامان‌دهی خواهد کرد. در این میان، نوع نگاه سیاست جنایی و تعیین اهداف آن می‌تواند بر عملکرد سیاست جنایی مؤثر واقع شود و برنامه‌های اجرایی و عملیاتی آن را در یک مسیر دیگر به حرکت وادارد. لذا، اگر سیاست جنایی با هدف تأمین امنیت و تضمین حداکثری آن تشکیل شود لازم است که بر این مبنا تمامی اصول، شرایط، راهکارها و سازوکارها و ابزارهای اجرای این هدف، در مجموعه‌ی سیاست جنایی تعریف شده و به کار گرفته شوند.

با بررسی مقررات و متون بین‌المللی با یک راهبرد پیشگیرانه مواجه هستیم و راهبردهای کیفری بسیار کم دیده شده است، در واقع سیاست جنایی بین‌المللی در جهت تأمین حق بر تغذیه‌ی سالم و امنیت غذایی بوده ولی تضمین واکنشی دیده نمی‌شود. با توجه به موارد مطرح شده واضح است که جامعه‌ی بین‌المللی وجود خطرات ناشی از محصولات تراریخته را پذیرفته و سعی بر این دارد که با انجام تحقیقات علمی و ارزیابی خطرات این محصولات، ایمنی غذایی لازم را که عنصر مهم حق بر غذا است، تأمین نماید. اما، آن‌گونه که از اسناد بین‌المللی [که تحلیل آن‌ها از نظر گذشت] برمی‌آید، اسناد موجود دارای انسجام و جامعیت که در بردارنده‌ی همه‌ی مسائل مرتبط با این محصولات باشد را ندارد و از طرفی کشورهای بزرگ تولیدکننده‌ی این محصولات، عضو این معاهدات نیستند. بنابراین، اتخاذ رویکرد مبتنی بر حقوق بشر و توجه به تحقق و حمایت از حق بر غذا ظرفیت پر کردن خلأهای قانونی موجود برای حل چالش‌های مرتبط با محصولات تراریخته را دارد؛ به‌طوری که اجرای گام به گام عناصر حق بر غذا و پیش‌بینی آن در قوانین داخلی آن‌گونه که در قوانین اتحادیه‌ی اروپا ذکر شد، می‌تواند ملاحظات اقتصادی-اجتماعی را در مصرف یا عدم مصرف این محصولات متناسب با حقوق مصرف‌کنندگان در کشورها تأمین کند. مضاف بر این که الزام بر ارزیابی توسط مراجع ذیصلاح در قالب حقوق معاهداتی (کشورهای که عضو اسناد مذکور در فوق هستند) و حقوق عرفی (اصل احتیاط) قابل پیگیری خواهد بود.

در سیاست جنایی داخلی نیز راهبردهای پیشگیرانه و پسگیرانه مشاهده شد. پیشگیری‌های غیرکیفری در ایران، بیشتر در سیاست‌های کلی نظام، مبتنی بر تقویت زیرساخت‌های فرهنگی، کشاورزی و آموزش و ارتقای سواد تغذیه‌ای آحاد جامعه می‌باشد که تقویت زیرساخت‌ها خود نیازمند هماهنگی جمعی از ارگان‌ها می‌باشد. سیاست‌های کلی نظام و در مجموع اسناد بالادستی، در بحث پیشگیری کمتر به پاسخ‌های کیفری پرداخته است و این پاسخ‌ها را بیشتر می‌توان در قوانین عادی موجود جستجو نمود و پاسخ‌های کیفری نیز بیشتر ناشی از الزامات جامعه از جمله گذر از جنگ تحمیلی و مقابله با نظام می‌باشد. این پاسخ‌های کیفری باید پرننگ‌تر شود و راهبردهای شکلی افتراقی نیز تقویت گردد.

## منابع

- قربانی، عباس. (۱۳۹۶). سیاست جنایی در قبال امنیت غذایی، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- لازرژ، کریستین. (۱۴۰۰)، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
- مارتی، می‌ری دلماس. (۱۳۹۸). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۱)، سیاست جنایی مشارکتی، تهران، نشر میزان.
- رضوی‌فرد، بهزاد. حقوق بین‌الملل کیفری و زمینه‌های شکل‌گیری یک سیاست جنایی بین‌المللی. آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۰؛ ۸(۱): ۱۷۱-۲۰۰.
- اسفندیاری چنگیز، میرعباسی سیدباقر. بررسی ابعاد حق بر غذا و امنیت غذایی در اسناد بین‌المللی. مجله علمی پژوهشی حقوق پزشکی. ۱۳۹۴؛ ۹(۳۵): ۱۵۷-۱۸۴.
- Paoletti, Claudia, "GMO risk assessment around the world: Some examples", Trends in Food Science & Technology, Elsevier, Vol.19, 2008, p.76.
- Holst-Jensen, Arne, I., "Coherence between Legal Requirements and Approaches for Detection of Genetically Modified Organisms (GMOs) and Their Derived Products", Journal of Agricultural and Food Chemistry, Vol.54, No.8, 2006, p. 2799
- Komen, John., "The emerging international regulatory framework for biotechnology", GM Crops and Food: Biotechnology in Agriculture and the Food Chain, Vol. 3, Issue 1, 2012, p.81.
- Beuchett, Tina., "Food Sovereignty or the Human Right to Adequate Food Which Concept Saves Better as International Department Policy for Global Hunger and Poverty", Journal of Agric Humvalues, vol. 29(2), 2012, p.684.
- Narula, Smita., "The Right to Food: Holding Global Actors Accountable Under International Law", Columbia Journal of Transnational Law, Vol. 44, 2006, p.36 .

**استناد به این مقاله:** میرکمالی، سیدعلیرضا؛ علی‌زاده، امین. (۱۴۰۴). سیاست‌گذاری‌های جنایی کارآمد بین‌المللی و داخلی در جهت تضمین امنیت غذایی. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۵(۳)، ۴۶-۱۰۵.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.